

آثار دنیوی و اخروی انس با قرآن

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶

سعید آذری^۶

چکیده

قرآن یگانه کتابی است که می‌تواند خواسته‌های جوامع بشری را در همه‌ی ابعاد به بهترین شکل برآورده سازد و انسان را به سوی عالی‌ترین مراتب رشد و کمال انسانی رهنمون سازد. آدمی احتیاج به انس با قرآن دارد و انس با قرآن یعنی جاری کردن مضامین و مفاهیم آیات قرآن در زندگی بشر. ارتباط داشتن با قرآن و انس با آن نقش بسیاری فراوانی در سعادت دنیوی و اخروی انسان دارد. این تحقیق با هدف بررسی آثار دنیوی و اخروی انس با قرآن انجام شد. تحقیق حاضر از نوع تحقیقات کیفی بوده و با روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات نیز از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. در این تحقیق اثرات دنیوی و اخروی انس با قرآن مورد بررسی قرار گرفت. اثرات دنیوی انس با قرآن از سه جهت علم و ایمان، سجایای روحی و برنامه عملی برای زندگی دسته‌بندی شده و مورد بررسی قرار گرفت. از اثرات اخروی انس با قرآن نیز به سعادت‌مندی و نجات، مفتخر شدن به درجه‌ای از نبوت، محشور شدن با پیامبران و صعود در بهشت اشاره شده است. کلیدواژگان: قرآن، انس، اثرات دنیوی، اثرات اخروی.

^۶ دانش پژوه سطح ۲ حوزه علمیه قم، www.saeedazari1998@gmail.com

مقدمه

یکی از مسائل بسیار مهم اسلامی و یکی از وظایف هر انسان مؤمن و معتقد، مأنوس بودن با قرآن است. هر گاه انسان قرآن را بشناسد به عظمت نازل کننده (خدا) و پیامبری که قرآن بر او نازل شده است پی می برد، محتوای آیاتش را در می یابد و سپس با عشق به آن، ارتباط فکری و عملی برقرار می کند که با قرآن مأنوس شده است.

فردای قیامت که محکمه‌ی عدالت پروردگار تشکیل می شود پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) از قوم خود که قرآن را در دنیا متروک نموده اند و به دست فراموشی سپرده اند شکایت می کند و این شکایت پیامبر همه روزه ادامه دارد. او از مسلمانان به پیشگاه الهی شکایت می کند که آن ها این قرآن را از برنامه‌ی زندگی ایمانی، سیاسی و اقتصادی خود حذف کرده اند.

آن چه در زندگی انسان ها حاکمیت آشکار دارد، غرق شدن در هوای نفسانی و فرو رفتن در امور ظاهری و دنیوی است که این نوع زندگی او را در اضطراب و بحران های شدید معنوی قرار داده است. پس شدیداً احتیاج به یک رابطه با عالم معنا دارد. قرآن عهد نامه‌ی خداوند به سوی خلق و بندگانش می باشد؛ حتی نگاه کردن، تلاوت، تعلیم و تعلم آن سبب حسنات و مهر سیئات و بلندی درجات می شود.

آدمی احتیاج به انس با قرآن دارد و انس با قرآن یعنی جاری کردن مضامین و مفاهیم آیات قرآن در زندگی بشر می باشد. انس و الفت با قرآن یعنی داشتن ملکه ای که در اثر کثرت و مداومت ارتباط با این کتاب آسمانی پدید می آید و قابلیت فرد را برای درک معانی و معارف بلند آن افزایش می دهد.

قرآن کلام خداوند و مشتمل بر معارف والای الهی است، یعنی از آن جا که بر قراری هر گونه ارتباطی با آن نیازمند ایجاد زمینه لازم و شایسته قرآن است. پس کسی که با اثرات آن آشنا می گردد و سعی می نماید تا این زمینه را در خود ایجاد کند. آیات الهی در ظرفی

قرار می‌گیرد که به نوعی با آن سنخیت داشته باشد و آن نورانی شدن و حق‌گرایی و دوری از پلیدی‌های روحانی و جسمی است.

اهمیت موضوع اثرات انس با قرآن زمانی مضاعف می‌شود که معلوم شود که ارتباط داشتن با قرآن نقش بسیاری فراوانی در سعادت دنیوی و اخروی انسان دارد. زیرا کلام ارجمند خداوند نیکو‌ترین سخن راهنمای آدمی از ضلالت‌ها، پناه‌گاه او در فتنه‌ها، جداکننده‌ی حق از باطل است تا از خوان نعمتش جسم و جان خویش را حیات بخشند و زندگی‌سرد و زمستانی خویش یا با انس با قرآن بهاری کنند. ثمره‌ی اصلی انس با قرآن تداوم هدایت قرآنی است، وقتی که مسأله‌ی هدایت برای ما نمایان می‌شود و باعث درک بهتر از معارف الهی می‌شود.

انگیزه‌ی اصلی از انجام این تحقیق آگاه کردن و آشنا نمودن مردم از اثرات انس با قرآن و سوق دادن آن‌ها به الفت گرفتن با این کتاب مقدس است. نتیجه‌ی این تحقیق مورد استفاده‌ی تمام اقشار مختلف جامعه است تا بتواند به راه صحیح زندگی خداپسندانه دست یابد و در مسیری که خداوند آن را «صراط مستقیم» می‌نامد قرار گیرند.

پیشینه‌ی تحقیق

انس با قرآن از زمان نزول وحی بر قلب پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و نمودار شدن آن در زندگی فردی و اجتماعی ایشان و سیره ائمه اطهار- علیهم السلام- قابل رؤیت است.

در حال حاضر، کتاب‌ها و مقالاتی نگاشته شده که در آن مباحثی را به این موضوع اختصاص داده‌اند از جمله می‌توان به کتب زیر اشاره نمود:

- کتاب تفسیر نسیم حیات جزء ۱۹ آقای ابوالفضل بهرام پور است، در این

کتاب به برخی از آثار اخروی و دنیوی ارتباط با کلام خداوند اشاره شده است.

- کتاب آشنایی با فرهنگ قرآن، آقای احمد محسنی گرگانی است در این کتاب مؤلف به بیان مباحث کلی قرآن پرداخته است و چندی از اثرات ارتباط با قرآن را بیان فرموده است.

- کتاب تفسیر تسنیم آقای عبدالله جوادی آملی است، به تفسیر سوره پرداخته و در جلد اول این مجموعه مباحثی پیرامون مراتب انس با قرآن دیده می شود.

- کتاب ۱۵۰ موضوع از قرآن کریم و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) نوشته ی آقای اکبر دهقان است، که در این کتاب مؤلف به موضوعات اعتقادی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی و ... پرداخته است که این موضوعات با آیات قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم السلام) همراه هستند، که به اثرات انس با قرآن را اشاره کرده است.

- مقاله ی هنر ایجاد انس با قرآن نوشته ی آقای محسن ربانی است، که نویسنده در این مقاله راه کارهای ایجاد انس و مراحل آن را بیان کرده است.

- مقاله ی مراتب انس با قرآن نوشته ی آقای محمدی، که در آن با استفاده از آیات قرآن و احادیث اهل بیت مراتب انس با قرآن را برشمرده است.

در این پژوهش سعی شده ضمن بررسی اثرات انس با قرآن و مراحل و مراتب آن چینش مطالب به گونه ای باشد که مطالب حاشیه ای و غیر ضروری حذف گردد و مفاهیم ارائه شده برای خواننده ساده و قابل فهم باشد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این پژوهش، کتابخانه ای است که بر اساس اطلاعات ثبت شده ی قبلی می باشد و ابزار جمع آوری اطلاعات، از طریق فیش برداری با رجوع به اسناد و مدارک متون دینی و رایانه ای است. این تحقیق به اعتبار نوع پژوهش توصیفی و تحلیلی است؛ زیرا به توضیح و تشریح موضوع می پردازد و به اعتبار نوع هدف می توان این تحقیق را کاربردی دانست.

مفهوم شناسی

مفهوم انس: انس به معنی الفت و محبت بر خلاف تنفر و بی محبتی است (راغب اصفهانی، مفردات الالفاظ القرآن، ۱۳۶۲). آرام یافتن به چیزی، خوگرفتن هم دمی و مصاحبت و مؤانست و مودت و رفاقت و خوگری (دهخدا، لغت نامه ی دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۳، ص ۳۵۴۷).

واژه‌ی انس^۱ در جایی به کار می‌رود که انس و محبت در آن زیاد باشد. به هر چیزی که مورد محبت قرار گیرد انس^۲ می‌گویند (راغب اصفهانی، مفردات الالفاظ القرآن، ۱۳۶۲: ص ۱۱۵). واژه ی انسان به بشر و بنی آدم از این نظر اطلاق می‌شود که وجودش و خلقتش تنها با محبت به یک دیگر قوام و ثبات خواهد داشت و لذا گفته اند انسان‌ها فطرتاً اجتماعی هستند، زیرا قوامش و دوام و وجودشان به یک دیگر پیوسته است و ممکن نیست انسان خودش به تنهایی بتواند تمام نیازها و اسباب زندگی خود را فراهم نماید و نه می‌تواند به تنهایی برای تهیه آن‌ها قیام کند. همچنین گفته‌اند: اطلاق نام انسان به خاطر این است که او به هر چیزی که به آن پیوسته و همراه است الفت دارد و با آن انس می‌گیرد (همان، ص ۱۱۸).

مفهوم قرآن: قرآن یعنی فراهم آوردن و گرد کردن چیزی را به چیزی (دهخدا، لغت نامه ی دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۱، ص ۱۷۴۷۲). این لفظ در اصل مصدر است به معنای خواندن؛ قرآن علم است (قرشی، قاموس قرآن، بی تا: ص ۲۶۲). نام کتاب آسمانی مسلمانان که بر پیامبر اسلام نازل شده است، بدین جهت قرآن نامیده شده که قرآن کتابی است خواندنی پس باید آن را خواند و در معانی آن دقت و تدبر نمود (دهخدا، لغت نامه ی دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۷، ص ۱۷۴۷۲).

مفهوم انس با قرآن: انس با قرآن ملکه‌ای است که در اثر کثرت و مداومت ارتباط با این کتاب آسمانی پدید می‌آید و قابلیت فرد را برای درک معنی و معارف بلند آن افزایش می‌دهد (جزوه ی تدبر، ص ۵).

آثار انس با قرآن

آن چه در زندگی انسان‌ها حاکمیت آشکار دارد، غرق شدن در هواهای نفسانی و فرو رفتن در امور ظاهری و دنیوی است که این نوع زندگی، آنان را در اضطراب و بحران‌های شدید معنوی قرار می‌دهد.

قرآن مجید، کتاب دین، قانون زندگی و نسخه‌ی شفا بخش و سعادت آفرین، برای همه‌ی اعصار است. به ویژه حیات فردی و اجتماعی مسلمانان، در طول تاریخ هزار و چند ساله‌ی خویش، بر اساس قرآن و معارف آن بوده است. از آن روزی که، نور وحی بر فراز جوامع انسانی، پرتو افشانی کرد، و پیام روح نوازش را برای جهانیان به ارمغان آورد، پیوندی عمیق و رابطه‌ای محکم بین قرآن و ابعاد مختلف زندگی مسلمانان پیدا شد. علاوه بر مسلمانان، تمام انسان‌ها و تشنگان کوثر حقیقت و معنویت از فوائد بی‌شمار این کلام آسمانی، بی‌بهره نماندند.

این آثار و برکات، تنها با انس گرفتن با کلام خدا حاصل می‌گردد و افراد می‌توانند آن را از دو جهت دنیوی و اخروی دریافت نمایند.

الف) آثار دنیوی

موارد زیادی برای آثار دنیوی انس با قرآن می‌توان برشمرد که در این مقاله آثار دنیوی انس با قرآن از سه جهت علم و ایمان، سجایای روحی و برنامه عملی برای زندگی دسته‌بندی شده که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱) علم و ایمان

علم و ایمان سرچشمه‌ی رشد انسان به سوی معبودی می‌باشد و قرآن مرکز ایمان، چشمه‌های علم و دریاهای دانش است که می‌تواند مسیر الی‌الله را بیماید. در ادامه برخی اثرات انس با قرآن از جهت علم و ایمان مورد بررسی قرار می‌گیرد.

افزایش بصیرت

یکی از مهم ترین دستاوردها با قرآن را کسب بصیرت دانست. وقتی انسان با قرآن مأنوس می‌شود، قرآن در او بصیرت و قوه تشخیص حق و باطل ایجاد می‌کند و اسباب نجات او فراهم خواهد شد.

«... هذا بيان للناس و هدى و موعظة للمتقين»؛ این بیانی است برای مردم و هدایت و موعظه‌ای است برای پرهیزگاران (سوره آل عمران (۳)، آیه ۱۳۸).

آن چه در این آیات ذکر شده از صفات پسندیده و آثار زنده نیکان، و نیز توجه به سرگذشت ستمگران و آثار ویرانه‌ی آن‌ها، به منظور آموزش و تربیت عموم است و درباره‌ی پرهیزکاران سبب بصیرت بیشتری خواهد شد.

«بصیر» صفت فعل پروردگار است، به لحاظ احاطه بر کنه و سیرت انسان که اصل و ریشه‌ی اعمال نیک و بد او است. بر او کنه آفریده‌ی پنهان نخواهد بود، زیرا احاطه و بصیرت او به طور قیومت و تدبیر است (حسینی همدانی، انوار درخشان، ۱۴۰۴ق: ج ۳، ص ۲۰۶). روی سخن در آیه با صاحبان خرد است زیرا مردم از نظر توجه به نظام آفرینش هرگز یکسان نیستند. چه بسیار گروهی که جز استفاده از مناظر زیبا و مشاهده‌ی انواع گوناگون موجودات که صفحه‌ی گیتی را فرا گرفته بهره‌ای نبرده، فقط با حس بینایی به طور ابهام به آن‌ها می‌نگرند و از روزنه‌ی خرد، دیده‌ی عبرت به آن‌ها نمی‌افکنند و با نظر بصیرت درباره‌ی طرح نقشه و نظم حیرت‌انگیز نمی‌اندیشند (همان، ص ۲۰۷).

امام کاظم (علیه السلام) می‌فرماید: مردم دنیا چهار گروه هستند. عده‌ای افتاده در ورطه‌ی هوس و هلاکت؛ عده‌ای طالب علم قرآن که هر چه بر علمشان افزوده می‌شود؛ بر غرورشان نیز افزوده می‌شود، عده‌ای عابد جاهل که تصور می‌کنند تنها خودشان مورد توجه خداوند هستند و دیگران را حقیر می‌بینند؛ و عده‌ای صاحب بصیرت و فهم و عقیده و حیانی که به راه حق معرفت پیدا کرده‌اند و در این راه تلاش و کوشش می‌کنند تا دیگران را هم با حق آشنا کنند.

گروه چهارم از این که گاهی به خاطر نبود شرایط و امکانات، نتوانند دیگران را با حق آشنا کنند رنج می‌برند. این‌ها بهترین افراد روزگار خود و برترین و عاقل‌ترین انسان‌ها هستند (مشکینی اردبیلی، نصایح، بی تا: ص ۱۹۹).

خداوند متعال می‌فرماید: «فإنها لا تعفی الابصار و لكن تعمن القلوب الّلتی فی الصدور» (سوره حج، آیه ۴۶). بدرستی که دیدگان ظاهر کور نیستند بلکه دیدگان دل کور می‌باشند. هر کس را خداوند دیده‌ی دل و بصیرت عطا کند، مقام بزرگی به او داده و در یک جایگاه رفیعی او را قرار داده است.

هر کس می‌بایست مراقبت کند بصیرت و دقت نظر خویش را به کار بندد تا از هلاکت و گرفتاری نجات یابد؛ زیرا تفکر مایه‌ی حیات شخص بصیر است و این مهم حاصل نمی‌شود، مگر این که انسان ظرف وجودی خویش را تطهیر کند و با تدبر و اندیشه به آیات الهی بنگرد. اما اگر هم چون برخی مذاهب اسلام، تنها توجه ظاهری به قرآن داشته و به تربیت قاریان و حافظان بسنده کنیم، سودی نخواهد داشت. چنان چه امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «هر که بدون بصیرت عمل کند مانند کسی است که بیراهه می‌رود، پس هر چند شتاب کند، از هدف دور تر گردد.» (حرانی، تحف العقول، ۱۴۰۲ق: ص ۳۴۱).

نجات از فتنه‌ها

منظور از فتنه، اختلاف و پراکندگی و تزلزل مبانی عقیده‌ای مسلمانان بر اثر وسوسه‌های دشمنان است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ج ۷، ص ۲۶۶). چنان چه در یکی از آیات قرآن، خداوند مؤمنین را از گرفتار شدن در ورطه‌ی فتنه هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «و اتقوا فتنَةً لا تصیبنَّ» (سوره انفال، آیه ۲۵). این آیه شریفه به قرینه‌ی آیه قبل که فرمود: «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا» الی آخر کلیه مؤمنین را خطاب قرار می‌دهد:

«ای مؤمنین! از آن فتنه‌ای که به ستمگران شما اختصاص ندارد، بلکه بی‌گناهان شما را هم فرا خواهد گرفت بر حذر باشید.»

به عبارت دیگر، همان طور که هرگاه بیشه طعمه ی حریق شود، تر و خشک با هم می سوزند، همان طور هم هرگاه فتنه ای رخ دهد، دامن گیر عموم مؤمنین که هم چون یک تن واحد هستند، خواهد شد. از وصفی که آیه ی مورد بحث برای کلمه ی «فتنه» می کند معلوم می شود منظور کلیه ی آن فتنه هایی است که اثر و کیفر آن دامنگیر عموم می شود (نجفی خمینی، تفسیر آسان، بی تا: ص ۹۲).

زندگی آدمی همواره مملو از درد ها، رنج ها، دشواری ها و فتنه هاست که آدمی را در حل و رفع آن حیران می کند. آن جا که دست هیچ درمانگر و روانشناسی به آن نمی رسد و چاره ساز آن نیست، در چنین شرایطی پیامبر اعظم که طیب دردهای بشریت و در جستجوی درد های اوست تا آن را مرهم دهد، می فرماید: «اذا التبت علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فعلیکم بلقرآن فإِنَّه شافع و مشفع... فیه مصابیح الهدی و منار الحکمۃ»؛ آن گاه که فتنه ها چون پاره های شب تاریک بر شما پوشیده شد، به قرآن تمسک کنی که آن شفیع است که شفاعتش پذیرفته می شود... و در آن چراغ های هدایت و نشانه های حکمت است (حر عاملی، وسایل الشیعه، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۱۷۱).

به دست آوردن حکمت

انس با تعلیم حکیمانه، حکمت را در قلب آدمی می نشاند و قرآن، کلام حکیمانه خداوند حکیم است. «تلك آیات الكتاب الحکیم» (سوره یونس، آیه ۱).

«حکمت»، بینشی است که در سایه ی معرفت الهی پدید آید و بر اساس فکر در اسرار هستی و رسیدن به حق، نور و تقوا می توان به آن دست یافت (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ج ۹، ص ۲۴۱). امام صادق (علیه السلام) فرمودند: رأس حکمت، طاعت خداوند است (ابن بابویه، آمالی الصدوق، ۱۳۷۶: ص ۴۸۷).

یکی از وظایف انبیا، آموزش کتاب و حکمت است. «و یُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَ الْحِکْمَةَ» (سوره بقره، آیه ۱۲۹). حکمت، همتای کتاب آسمانی است و به هر کس حکمت عطا شود خیر کثیر داده شده است.

حکمت، بینش و بصیرتی است که اگر در فقیر باشد، او را در جامعه از ثروتمند محبوب تر می کند و اگر در صغیر باشد، او را بر بزرگسالان برتری می بخشد (قرائتی، تفسیر نور، ۱۳۸۳: ص ۲۴۱). فرد حکیم در مسائل سطحی و زودگذر توقف ندارد، توجه او به عاقبت و نتیجه ی امور است ... نه نزاعی با بالا دست خود دارد و نه زیر دستان را تحقیر می کند. سخنی بدون علم و آگاهی نمی گوید، در گفتار و رفتارش تناقضی یافت نمی شود. نعمت های الهی را ضایع نمی کند و به سراغ بیهوده ها نمی رود. مردم را مثل خود دوست دارد و هر چه را که برای خود می خواهد برای آنان نیز بخواهد و هرگز با مردم حيله نمی کند (همان، ص ۲۴۲).

هر چه انسان انس بیشتری با قرآن داشته باشد به حکمت بیشتر دست پیدا می کند. حتی اگر در سنین قبل از بلوغ، انس با قرآن صورت گیرد، حکمت در قلب چنین کودکی رسوخ می کند. پس اگر چنین است، به یقین تلاوت مستمر قرآن در جوانی و بزرگسالی حکمت به ارمغان می آورد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: « مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ قَبْلَ بُلُوغٍ فَقَدْ أَوْتِيَ الْحَكْمَ صَبِيًّا »؛ هر کس قبل از بلوغ، قرآن تلاوت کند در کودکی به او حکمت عطا می شود (مجلسی، بحارالانور، ۱۴۰۳ق: ج ۱۷، ص ۱۹۲).

بهره مندی علوم

انسانی که با قرآن مأنوس است و آن را هم نشین خویش ساخته، خود را بر خوان رنگارنگ و بی نظیری می بیند که میزبان خداست، خدایی که غنی و بی نیاز است « إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ » (سوره لقمان، آیه ۲۶)؛ و کریم و بخشنده است « فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ » (سوره نمل، آیه ۴۰)؛ و توانا بر ارائه قام حوایج و خواسته ها « وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ » (سوره مائده، آیه ۱۲۰).

چگونه ممکن است آدمی بر سر چنین سفره ای حاضر شود و بی توشه دست خالی برگردد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: «القرآن مأدبه الله فتعلموا من مأدبته ما استطعتم» قرآن سفره ضیافت الهی است پس تا می توانید از سفره ی ضیافت او فرا گیرید (علم الهدی، امالی المرتضی، ۱۹۸۸م: ج ۲، ص ۴۵۴).

بر این اساس که از نخستین روزهای نزول قرآن تا کنون هر کس به فرا خور حال و نیاز و استعداد خویش از آن کسب معرفت نموده است. عارفان، فیلسوفان، متکلمان، علمای اخلاق، خطیبان و سخنوران، اهل بلاغت و فصاحت، روان شنایان، مورخان، جامعه شناسان، حقوقدانان، همه و همه آن گاه که در برابر قرآن زانو زده و سر بر آستان مقدسش ساییده اند خود را در برابر اقیانوس بی کرانه ای دیده اند که آن چه از آن نوشیده اند را تنها جرعه ای از دریای عظمت قرآن وصف کرده اند. از این رو میلیون ها کتاب، مقاله و رساله تحقیقی در مورد موضوعات آن نوشته شده و می شود و از همین روست که پیامبر در وصف قرآن می فرمایند: «عمیق بحره لا تحصی عجائبه و لایشبع منه علماءه»؛ دریای عمیقی است که شگفتی های آن (قرآن) بی شمار و عالمانش از آن سیرنمی شود (کلینی رازی، اصول کافی، بی تا: ج ۴، ص ۵۹۶).

در روایتی دیگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به دانشمندان و علم دوستان توصیه می کنند: «من اراد علم الاولین و الآخین فلبثور القرآن»؛ هر خواهان علم پیشینیان و آیندگان (از اولین و آخرین) است در قرآن کاوش و تأمل کند (همان، ص ۵۹۷).

نه تنها مسلمانان به این نتیجه رسیده اند که قرآن برنامه سعادت بخش است انسان های غیر مسلمان نیز پی در این برده اند که سعادت در برنامه ای است که خداوند به پیامبر مسلمانان نازل کرده است. دکتر آلکسیس کارل در کتاب انسان موجود ناشناخته می گوید:

مردان علم و رهروان طریقت و دانش، از پیش نمی دانند به کجا کشانده می شوند و چه نتیجه ای به دست می آورند. اتفاق و تعقل و قسمتی روشن بینی ایشان را هدایت می کند؛ گویی هریک از ایشان دنیایی جداگانه است و با قوانین مخصوص به خود اداره می شود. گهگاهی مسائل دشواری که بر دیگران پوشیده و تاریک است، برای ایشان روشن می

گردد. عموماً اکتشافات بدون هیچ گونه پیش بینی از نتایج آن‌ها صورت گرفته است، ولی در عمل این نتایج هستند که تصویر خود را بر تمدن جدید ما افکنده اند. از میان انبوه فراوان اکتشافات علمی ما «انتخابی» کرده ایم؛ ولی در این انتخاب به مصالح عالی‌ه انسانیت توجه نداشتیم، بلکه فقط سراسیمه تمایلات و هوس‌های خود را پیروی نموده ایم و همیشه تأمین اصل «حد اکثر آسایش در ازاء حد اقل تلاش» و سرعت در کار و تنوع و تلون زندگی را مورد نظر داشته ایم. ولی هیچ کس از خود نمی پرسد که آدمی این شتاب زدگی و بی تناسبی زینت‌های زندگی را محصول ادوات سریع حمل و نقل و تلگراف و تلفن و ماشین‌هایی است که می نویسد و حساب می کنند و کارهای خانگی را به آسانی انجام می دهند، چگونه تحمل خواهد کرد (طالقانی، پرتوی از قرآن، بی تا: ج ۱، ص ۵).

این چنین است که دانشمندان غیر مسلمان موفقیت انسان‌های مؤمن اهل علم را در عمل به قرآن می دانند.

۲) سجایای روحی

قرآن کریم، دریای بی کرانی است که امواج گوناگون آن هر کدام در موضوع مهمی، راهنمای بشر است. این کتاب مقدس مصدر معارف و علوم بشری گردید و در هر دوره ای نظر دانشمندان را به خود جلب کرد و آن‌ها را به خود متوجه ساخت. هدف نخستین پیغمبر اسلام از تعلیم قرآن مجید به شاگردان مکتب خود، در درجه ی اول، تقویت ایمان و عقیده و در درجه ی دوم، تهذیب نفس و اخلاق و دستورات زندگی و عبادت بوده است (ابن بابویه، الخصال، ۱۳۶۲: ص ۵).

نورانیت

کار نور پرتو افکنی و نشان دادن راه از بیراه و خارج ساختن آدمی از تاریکی است و گفتار برآمده از نور چیزی جز نور نخواهد بود. خداوند نور، با کلام نورانی خویش خواسته است تا آدمیان را از تاریکی‌ها به سوی نور خارج سازد.

«الله نور السموات والأرض»؛ خداوند نور آسمان ها و زمین است (سوره نور، آیه

(۳۵)

«يا أيها الناس قد جاءكم برهان من ربكم و أنزلناه اليكم نوراً مبيناً»؛ ای مردم در حقیقت برای شما از جانب پروردگارتان برهان آمده است و ما به سوی شما نوری تابناک فرو فرستادیم (سوره نساء، آیه ۱۷۴)

« کتابُ أنزلناه إليك لتُخرجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ »؛ این کتابی است که بر تو نازل کردیم تا مردم را از تاریکی ها به سوی نور خارج کنی (سوره ابراهیم، آیه ۱)
آن که در عمل راه نور و روشنی را انتخاب می کند و با آیات نورانی قرآن مأنوس و هم نشین می شود رهاورد آن نیز یقیناً جز نورانیت ظاهر و باطن نخواهد بود و حتی خانه ای که در آن قرآن تلاوت می شود نزد اهل بصیرت نورانی و درخشان خواهد بود.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در وصف حاملان قرآن می فرماید: «حمله القرآن هم المحقوفون برحمة الله الملبوسون بنور الله عز و جل»؛ حاملان قرآن احاطه شده به رحمت الهی و پوشیده به نور خدای عز و جل هستند (جوادی آملی، تسنیم تفسیر قرآن، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۵۰). و در روایتی دیگر می فرمایند: «عليك بتلاوة القرآن و ذكر الله كثيراً فإنه ذكر لك في السماء و نور لك في الارض»؛ ای ابوذر بر تو باد به خواندن قرآن که این کار مایه ذکر و یاد تو در آسمان و نورانیت تو در زمین است (طبرسی، مکارم الاخلاق، ۱۳۷۰: ص ۴۷۳). بر اساس روایت نبوی همان گونه که ستارگان آسمان بر اهل دنیا نور می دهند، خانه ای که در آن تلاوت قرآن می شود برای آسمانیان نور افشانی می کند.

تخلُّق به اخلاق الهی

یکی از مباحث مهم اسلام که قرآن مجید بر آن تکیه کرده و آیات بسیاری درباره ی آن نازل فرموده، اخلاق است و آن چه که عشق و عواطف و احساس و سجایای روحی انسان را کمال می بخشد و رهبری می کند، علم اخلاق است (طبرسی، مکارم الاخلاق، ۱۳۷۰: ص ۹).

علم اخلاق عبارت است از علمی که پیرامون ملکات انسانی بحث می‌کند، ملکاتی که مربوط به قوای نباتی و حیوانی و انسانی اوست. هدف آن این است که فضایل آن‌ها را از رذائلش جدا سازد و معلوم کند کدام یک از ملکات نفسانی انسان خوب و فضیلت و مایه کمال اوست و کدام یک به دور از رذیله و مایه نقص اوست؛ تا آدمی بعد از شناسایی آن‌ها خود را با فضایل بیاراید، و از رذایل دور کند. در نتیجه اعمال نیکی که مقتضای فضایل درونی است، انجام دهد تا در اجتماع انسانی، ستایش عموم و ثنای جمیل جامعه را به خود جلب نموده، سعادت علمی و عملی خود را به کمال برساند (طباطبائی، تفسیر المیزان، ج ۴، ۱۳۷۴: ص ۱۷۵).

قرآن به این جنبه‌ی اخلاقی بی‌اندازه اهمیت می‌دهد تا جایی که هدف از آفرینش انسان را این می‌داند که وی مظهر صفات الهی و سجایای اخلاقی از قبیل محبت و احسان و شرف و سخاوت و نوع دوستی و پاکی از رذایل اخلاقی مثل کینه و حسادت و غیبت و دروغ و ... است.

در ادامه به چند نمونه از جنبه‌های اخلاقی از جمله آراستن به صفات نیکو، صیقل دل از زنگار، اجتناب از خود بینی، و گریز از حب دنیا اشاره می‌شود.

آراستن به صفات نیکو: نبی اکرم هدف از بعثت خود را تتمیم و تکمیل مکارم الاخلاق می‌داند و می‌فرماید: « بُعِثْتُ لِاتِمِّمَ مَكَارِمَ الْاِخْلَاقِ » (ابن بابویه، الخصال، ۱۳۶۲: ص ۱۳). من برای این مبعوث شدم که مکارم الاخلاق را در شما به کمال برسانم و وجود شما را به صفات عالی انسانی پیورانم.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و سلم) که قلب خویش را ظرف نزول قرآن ساخته بود بیش از تمامی خلائق الهی با قرآن مأنوس بود و از آن در زندگی خویش تأثیر می‌پذیرفت. رفتار و گفتارش، اندیشه و کردارش و تمامی حرکات و سکنت پیامبر قرآنی بود و به یقین بهترین و کوتاه‌ترین وصف پیامبر در همین جمله خلاصه می‌شود که قرآن اخلاق پیامبر بود.

بنابر این آدمی اگر بخواهد اخلاق الهی داشته باشد باید بر قرآن تمسک جوید و با این گنجینه-
ی معرفت انس بگیرد .

صیقل دل از زنگار: معاصی و کدورت های حاصله از طغیان و سرکشی نسبت به
ساحت قدس پروردگار عالمیان، قلب را تاریک و نفس را به بدی متمایل می کند. هر گناهی
بر صفحه قلب آدمی زنگار می نشاند و کار نیک خلوص و صفا و پاکی بر قلب می افزاید.
اما وقتی کلمات وحی بر صفحه ی دل جای گرفت، خواه ناخواه جایی برای اغیار باقی نمی
ماند و نفس لایق تجلیات غیبیه و ظهور حقایق در آن می شود.

تلاوت قرآن با تدبیر کفاره‌ی گناهان و پوشاننده‌ی آن است این توصیه پیامبر اکرم
(صلی الله علیه و آله و سلم) به سلمان فارسی است که می فرماید: «علیک بقرائت القرآن فان
قرائته کفارة للذنوب» (حکیمی، الحیاء، بی تا: ص ۱۳۰). بر تو باد به خواندن قرآن، زیرا که
خواندن آن کفاره‌ی گناهان است ... در روایتی دیگر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)
می فرماید: «إن القلوب تصدأ كما یصدأ الحديد قیل ما جلاؤها یا رسول الله؟ قال قراءة
القرآن و ذکر الموت» همانا قلب ها زنگار می گیرند هم چنان که آهن زنگار می گیرد. گفته
شد ای رسول خدا جلای آن چیست؟ فرمودند: به تلاوت قرآن و یاد مرگ (نوری، مستدرک
الوسایل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸ق: ج ۲، ص ۱۰۴).

مأنوس شدن با خدا و دوستی با او دل را از آن چه که مخالف میل اوست متنفر می
سازد. اگر نماز، آدمی را از کار زشت باز می دارد. از همین روست که نماز، سخن گفتن
خدا با بنده است. «إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ» (سوره عنکبوت، آیه ۴۵). قرآن
نیز که هم سخنی از پروردگار است چنین اثری را بر عمل آدمی می گذارد.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: فرزندم از خواندن قرآن غافل
مشو زیرا که قرآن دل را زنده می کند و از فحشا و ... و ستم و گناه باز می دارد (دیلمی،
ارشاد القلوب، ۱۳۴۹: ج ۱). اما اگر می بینیم که قرآن تلاوت می کنیم ولی چنین تلاوتی ما را
از زشتی ها باز نمی دارد ایراد و اشکال نه از وعده به حق نبوی، بلکه هر عیب که هست از

مسلمانی ماست. در آیات قرآن علاوه بر تلاوت قرآن ادای «حق تلاوت آن» از ما خواسته شده «الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ» (سوره بقره، آیه ۱۲۱). حق تلاوت قرآن بنا بر تفسیر پیامبر اعظم آن است که از آن چنان که باید و شاید پیروی شود.

اجتناب از خود بینی: انس با قرآن باعث می شود که حجاب خود بینی از جلوی دیدگان شخص کنار برود و متعلم، خود را نیازمند به استفاده از آیات وحی احساس کند. چنانچه هر چه فراگیرد باز هم به دنبال یادگیری بیشتر می رود و دانسته های خود را کم می پندارد.

حضرت موسی علیه السلام با آن که پیامبر برگزیده ی خدا بود قناعت به آن مقام نکرد در ملاقات با خضر بنی علیه السلام اظهار داشت « هَلْ أَتَبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا؟ » آیا پیروی (هم راهی) تو نمایم تا آن چه را آموخته ای از بصیرت و رشاد به من بیاموزی (سوره کهف، آیه ۶۶)

وقتی انسان خود را در برابر دریای بی کرانه ی قرآن می بیند خود را هیچ می داند و در صدد فراگیری آن بر می آید.

گریز از حب دنیا: دلبستگی به دنیا انسان را از یاد خدا غافل می کند تا جایی که نور فطرت خداوندی در ضمیر انسان رو به خاموشی می گراید. ولی در اثر استفاده از معارف قرآن و موعظه های الهی، باطن شخص، پاک و محرم اسرار ربوی می گردد. « قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ » (سوره مائده، آیه ۱۶) از جانب خداوند نور و کتاب مبین برای شما آمده است که خداوند بیان وسیله هر کس را که رضای او را بخواهد به راه های سلامت هدایت می کند.

انسانی که انس با قرآن دارد می داند که همه چیز از آن خداوند است و به هر کس بخواهد می بخشد و دلبستگی خود را از دنیا به حداقل می رساند.

شفاء

انسانی که از آینده و سرنوشت خود خبر ندارد و نمی داند که اعمال زشت و زیبای او مورد بازخواست و توجه است یا نه؟ چنین قلبی با دلهره و نگرانی به سر می برد و هیچ بیماری به سختی جهل نیست. جهل منشاء صدور انواع بیماری های روحی است؛ اما وقتی قرآن به انسان معرفت و آگاهی می بخشد و او را به این باور می رساند که هر کس دوره ای نیکی یا بدی کند نتیجه اش را می بیند دلش آرام می گیرد و در سایه ی هدایت، به مقام اطمینان نائل می شود و این همان شفای دل های بیمار است (بهرام پور، تفسیر نسیم حیات، ۱۳۸۶: ص ۱۹۵).

خداوند قرآن را مایه ی شفای دردها معرفی کرده است. تکبر و خود برتر بینی، حسد و ظلم، تجاوز و فتنه گری، سرکشی، طغیان و شرک و بسیاری از دردهای امروز جوامع بشری، ریشه در دور افتادن از تعالیم قرآن و دین دارد که متأسفانه بسیاری از مسلمین نیز با وجود داشتن نسخه ی شفا بخش، گرفتار پاره ای از این دردها هستند (همان).

خداوند در قرآن می فرماید: «یا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْمُم مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَ هُدًى وَ رَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَ لَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا» (سوره یونس، آیه ۵۷). این آیات مطالبی درباره ی عظمت قرآن که پیام جهانی سعادت برای بشریت است بیان می دارد و می گوید: ای مردم! از سوی پروردگارتان موعظه و پندی برای شما آمده است پندی که مایه ی شفای بیماری دل است و مایه ی هدایت و رحمت برای مؤمنان است. برای ظالمین فقط خسران می ماند (همان).

امیر المؤمنین علیه السلام فرمودند: از قرآن برای بیماری خود شفا طلبید و مشکلات خود را با آن حل کنید زیرا قرآن شفای بزرگترین دردهاست. درد کفر و نفاق و ضلالت (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶).

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره ی کارکرد شفا بخشی قرآن روایت شده که «من لم یستشف بالقرآن فلا شفاه الله» هر کس به قرآن شفا بجوید خداوند شفایش ندهد. پس نشان می دهد باید برای شفا به قرآن رجوع شود.

شفا بخشی قرآن فقط مربوط به دردهای روحی نیست بلکه روایات بسیاری از پیامبر و معصومین (علیهم السلام) وجود دارد که بر نقش و تأثیر قرآن در بهبود دردهای جسمی تأکید می‌کند.

البته باید نکته‌ای درباره‌ی شفا بخشی قرآن گوشزد کنیم که شفا بخشی قرآن نیز مانند دعا کردن دارای شرایط و مصالحی است که گاه وجود آن شرایط با عدم مصلحت الهی در استجاب دعا موجب به تأخیر افتادن درمان با دعا می‌گردد.

آرامش و بهره‌مندی از رحمت الهی

خداوند بزرگ و مهربان در آغاز سخن و گفتارش خود را به رحمت و رحمانیت ستوده و از میان تمام کمالیش تنها این صفت را براب آغاز سخنش انتخاب نموده است، زیرا همان صفت رحمت خداوند است که موجب گردیده تا پیامبران را به سوی بشر فرستد و قرآن را به آن‌ها نازل کند. پس بسیار به جا و سزاوار است که قرآن با رحمانیت خداوند شروع شود و این کتاب با صفت رحمت آغاز گردد (طبرسی، مکارم الاخلاق، ۱۳۷۰: ج ۲، ص ۲۱۰).

آری قرآن رحمت آورنده‌ی آن پیامبر رحمت است چنان که خداوند در آیات فراوانی به این حقیقت تصریح نموده و قرآن و پیامبر را به صفت رحمت توصیف فرموده است:

« هَذَا بَصَائِرُ مِنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ » ؛ این قرآن وسیله‌ی بینایی و از طرف پروردگارتان و مایه‌ی هدایت و رحمت است برای جمعیتی که ایمان می‌آورند (سوره اعراف، آیه ۲۰۳).

و در جای دیگر خداوند می‌فرماید: « قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ » (سوره یونس، آیه ۵۸)

خداوند در این آیه مردم را به قدر دانی از نعمت پروردگار فرا می‌خواند و می‌گوید: ای پیامبر! بگو مردم باید به خاطر فضل پروردگار و رحمت بی‌پایان او و این کتاب

اُمّانی ابراز شادی کنند نه به خاطر مسائل دنیوی و مادی و هم چنین به خاطر نعمت قرآن و وجود پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) باید شادی کنند که سعادت بشر را تضمین می کند زیرا سرمایه ی معنوی که از قرآن برای انسان حاصل می شود از تمام آن چه جمع می کنند بهتر و برتر است.

مأنوس بودن با کلام الهی رحمت خدا را بر انسان سرازیر می کند و ای را در مهر الهی غرقه می سازد.

از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده است که «هیچ گروهی در خانه ای از خانه های خدا برای تلاوت کتاب خدا و مباحثه آن جمع نشدند مگر این که آرامش بر آنان فرود آمد و رحمت فراگیرشان شد و فرشتگان آنان را در میان گرفتند و خداوند در میان کسانی که در نزدش هستند از آنان یاد می کند (نوری، مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸ق: ص ۱۰۵).

کسی که به نعمت اسلام و تعلیم و تعلم قرآن نائل شده است باید شادی کند زیرا قرآن شادی آور است و غصه و فقر و گرفتاری را بر طرف می کند و کسی که انس با این کتاب الهی دارد هرگز افسردگی و استرس و... به او راه نمی یابد (بهرام پور، تفسیر نسیم حیات، ۱۳۸۶).

هدایت

تنها قانونی که می تواند مایه نجات انسان ها گردد، قانون هدایت الهی است. چرا که علم بشر هر قدر تکامل یابد باز آمیخته به جهل و شک و نارسایی در جهات مختلف است، و هدایتی که در پرتو چنین علم ناقصی پیدا شود هدایت مطلق نخواهد بود. تنها کسی می تواند برنامه ی «هدایت مطلق» را رهبری کند که دارای «علم مطلق» و خالی از جهل و نارسایی باشد و او تنها خداوند است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ج ۱، ص ۴۳۱).

کلمه ی هدایت در موارد فراوانی در قرآن به کار رفته که همه آن ها به دو معنی باز می گردد:

هدایت تکوینی: هدایت تکوینی آن است که خداوند به وسیله‌ی عقل و فکر و غرایز که در وجود انسان و حیوانات قرار داده آن‌ها را به راه‌های زندگی و تدبیر و ادراه‌ی امور خویش رهبری و هدایت نموده است. (سوره طه، آیه ۵۰) حضرت موسی علیه السلام گوید: « رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى » (دهقان، صد و پنجاه موضوع از قرآن کریم و احادیث اهل بیت، ۱۳۸۶: ص ۴۸).

پروردگار ما همان کسی است که به هر موجودی آن‌چه را لازمه‌ی آفرینش او بوده عطا کرده و سپس هدایت کرده است.

هدایت تشریحی: هدایت تشریحی مخصوص انسان است که از ناحیه خداوند متعال به وسیله انبیاء و کتب آسمانی انجام می‌گیرد: « وَ جَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا »؛ و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می‌کردند (سوره انبیاء، آیه ۷۳)

و این هدایت تشریحی بر دو قسم است: ۱- ابتدائی ۲- پاداشی.

خداوند ابتدا همه‌ی انسان‌ها را به حقیقت راهنمایی می‌نماید

«إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا»؛ ما راه را به او نشان دادیم خواه شاکر باشد یا ناسپاس (سوره دهر، آیه ۳)

بعد از آن مردم به دو گروه تقسیم می‌شوند. گروهی با سوء اختیار هدایت الهی را نمی‌پذیرند که از آن‌ها منع فیض می‌شود اما عده‌ای با حسن انتخاب خود هدایت الهی را می‌پذیرند و با ایمان و کسب اعمال و اوصاف شایسته از هدایت پاداشی خداوند برخوردار می‌گردند (همان، ص ۴۹).

و اگر کسی با این کتاب الهی مأنوس باشد مشمول هدایت الهی می‌باشد؛ چنان‌چه رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: « من اتبع کتاب الله هداه الله من الضلالة فی الدنيا وقاه سوء الحساب یوم القيامة »؛ هر کس از کتاب خدا پیروی کند خداوند او را از گمراهی در دنیا نجات بخشد و در روز قیامت از حساب بد حفظش کند (طباطبایی، تفسیر المیزان، ۱۳۷۴: ج ۱۴، ص ۲۴۹).

نگه داشتن از شر شیطان

سیره و روش متقین آن است که چون وسوسه ای از جانب شیطان به آن ها رسد خدا را به یاد آورند و بینا شوند و حقیقت را که وسوسه شیطان در صدد دگرگون ساختن چهره ی آن بود باز شناسند از این رو خداوند خطاب به مؤمنان می فرماید: «وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»؛ اگر از جانب شیطان وسوسه ای به تو رسد به خدا پناه ببر همانا خداوند شنونده ی دانا است (سوره اعراف، آیه ۲۰۰)

قرآن یاد خداست و آن که پیوسته یاد خدا می کند و با او مأنوس است در حصار محکم الهی و در حمایت اوست. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرماید: «فادرسوا القرآن فإنه كلام الرحمن و حرز من الشيطان ...»؛ قرآن را بیاموزید زیرا که قرآن سخن خدای مهربان و مایه ی حفظ از شیطان و ... است (نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ۱۴۰۸ق:ج:۴، ص ۲۳۲).

۳) برنامه ی عملی زندگی

با توجه به این که مطالب گذشته کاربرد عملی در زندگی دارند، علاوه بر بیانات گذشته چند اثر به خصوص که در زندگی ملموس تر می باشند را بیان می کنیم.

دستیابی الگوهای تربیتی

قرآن تحقیقاً کتابی تربیتی و ارشادی است که با ظرافتی خاص به بیان قواعد فنی و رعایت وجوه هنری و تربیتی می پردازد و همه ی این ها را در جهت خدمت به اغراض و اهداف دینی به کار می گیرد تا مخاطبان خود را تا رسیدن به غایت کمال، همراهی و بدرقه کند. آن قدر توجیه و ارشاد می کند که خواننده، همه ی روش های تربیتی مورد نظرش را فرا گیرد.

قهرمانان داستان ها در قرآن بلند پایه و والا مرتبه، پاک، پیشرو و با صفا هستند تا شایستگی سرمشق شدن را بیابند و افراد را به سوی پیشرفت و ارتقا تشویق نمایند.

یکی از گرایش‌های انسان، حس تقلید و پیروی از دیگران است، به گونه‌ای که از آغاز کودکی، این گرایش به روشنی دیده می‌شود. رفتارهای کودک در این دوران، عمدتاً با تقلید از اطرافیان صورت می‌گیرد.

در بزرگسالی نیز بسیاری از ویژگی‌ها و رفتارهای فردی و جمعی، متأثر از محیط پیرامون است و به تبعیت از عملکرد کسان دیگر انجام می‌پذیرد.

از ویژگی‌های متعالی مکتب اسلام، وجود الگوهای برجسته و ممتازی چون حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است که در توصیف حضرتش قرآن کریم می‌فرماید: «لقد کان لکم فی رسول الله أسوةً حسنةً»؛ به تحقیق رسول خدا بهترین الگو و نمونه برای شما است (سوره احزاب، آیه ۲۱).

با نگاهی گذرا به قرآن، نمونه‌ها و اسوه‌های مقدسی را می‌یابیم که هر یک واجد شایستگی‌ها و امتیازاتی هستند که برای مردم روزگار خود و نسل‌های بعدی، همواره الگوی زیبایی بوده‌اند و پیوسته در توصیف آن‌ها سخن رفته است.

یکی از شیوه‌های مؤثر در سازندگی و تربیت اخلاقی، استفاده از داستان و بیان سرگذشت اقوام و ملت‌های پیشین به منظور الگو قرار دادن مصادیق مثبت و آگاهی از جنبه‌های منفی سرگذشتگان پیشینیان است.

قرآن از قهرمانان منحرف، سیه‌دلانی را معرفی می‌کند که اشاره به زندگی آن‌ها موجبات پندگیری و اصلاح را فرا می‌کند (همان، ص ۱۲۶).

توانگری و بی‌نیازی

قرآن از آن‌جا که گفتار خداوند غنی است، راهبرد‌ها و هدایت‌هایش نیز بی‌نیازکننده از هر چیز دیگر است از این رو پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «القرآن غنی لاغنی دونه و لا فقر بعده» (حکیمی، الحیاء، بی تا: ج ۲، ص ۱۵۰). قرآن ثروتی است که بدون آن توانگری نباشد و با وجود آن فقری نخواهد بود. قرآن مایه‌ی توانگری است که جز در آن توانگری یافت نمی‌شود.

اگر بزرگترین نعمت وجودی را نعمت سعادت و هدایت بدانیم قرآن که هدایتگر بشری و نازل شده با این هدف است بالاترین نعمت خواهد بود و حامل و عامل قرآن در دست دارنده، بالاترین نعمت به شمار خواهد رفت.

پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) می فرمایند: «به هر کس نعمت قرآن (فهم و عمل به آن) داده شود و با این حال تصور کند که به شخصی دیگری بالاتر و بیشتر از نعمت قرآن به او داده شود به یقین کوچکی را بزرگ شمرده و بزرگی را کوچک شمرده است.» او آن چه را خدا بزرگ شمرده {قرآن} را حقیر پنداشته است و آن چه را خدا حقیر دانسته {دنیا} بزرگ پنداشته است.

علاوه بر بعد ثروت معنوی قرآن، تلاوت آیات و انس با آن بر خیر و برکت مادی انسان نیز می افزاید. از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) روایت شده که: «فان البیت اذا اکثر فیه تلاوة القرآن کثر خیره واتسع اهله»؛ آن گاه که در خانه ای تلاوت قرآن زیاد شود و اهل آن به گشایش و وسعت (از زندگی) می رسند (همان).

در روایات بسیاری از پیامبر و معصومین بر رابطه تلاوت سوره ها با وسعت رزق و روزی، دفع فقر و پریشانی و رفع قرض و بدهکاری تأکید شده است. به عنوان مثال پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) درباره ی نقش تلاوت مستمر سوره ی واقعه در رفع فقر و تنگدستی می فرمایند: «من قرأ سورة الواقعة فی کل لیلۃ لم تصبه قامۃ ابداً»؛ کسی که هر شب سوره واقعه را قرائت کند هیچ گاه فقر و تنگدستی به او نرسد. چنانکه درباره ی خواندن سوره های انفال، طه، فتح و... به منظور گشایش روزی و دفع فقر روایاتی دیده می شود (الحویزی، تفسیر نور الثقلین، ۱۴۱۵ق: ج ۵، ص ۲۰۳).

صبر و بردباری در برابر مشکلات

انسانی که قرآن را مونس خویش می داند وقتی که در زندگی دچار سختی می شود به جای این که خود را گم کند به یاد پروردگار خویش می افتد که در کلام حق (قرآن) مژده ای به او داده: «فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا»؛ با هر سختی آسایشی است (سوره شرح، آیه ۵).

کسی که این آیه را آویزه‌ی گوش خویش قرار دهد هیچ‌گاه از سختی‌های راه، نمی‌هراسد؛ احساس خوشحالی می‌کند، چرا که می‌داند گرفتاری و فقر او را می‌سازد و به یاد انیس خویش می‌افتد که فرموده است: «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُم بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ»؛ پیامبران را به سوی امت‌های پیش از تو فرستادیم و به تنگ‌دستی و سختی گرفتارشان کردیم تا شاید تذلل کنند (سوره انعام، آیه ۴۲). هم چنین می‌داند که صبر در برابر مشکلات اجر عظیمی را در پی دارد.

رشد اقتصادی

عمل به قرآن در همه‌ی عرصه‌های زندگی به سود انسان‌ها می‌باشد، حتی در مسائل اقتصادی که در این زمان به بحران کشیده شده است که نقش به‌سزایی دارد.

«وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَل لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا يُؤْمِنُونَ»؛ گفتند دل‌های ما در پرده‌ی غیب است چنین نیست بلکه خدا بر آن‌ها لعن و غضب فرمود زیرا کفر و عناد ورزیدند (سوره بقره، آیه ۸۸).

این آیه اشاره به یک اصل کلی و مهم اسلامی می‌کند که در تمام مسائل اقتصادی حاکم است و به یک معنی می‌شود تمام ابواب فقه اسلامی را در بخش اقتصاد، زیر پوشش آن قرار داد.

هر گونه تصرف در اموال دیگران از غیر طریق صحیح و به ناحق مشمول این نهی الهی می‌شود تمام معاملاتی که هدف صحیحی را تعقیب نمی‌کند و پایه و اساس عقلانی ندارد مشمول این آیه است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ج ۲، ص ۴). و هم چنین در آیه ۲۹ سوره‌ی نساء می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا»؛ ای اهل ایمان مال یک‌دیگر را به ناحق نخورید مگر آن که تجارتي از روی رضا و رغبت کرده (و سودی برید) و یک‌دیگر را نکشید که البته خدا بسیار به شما مهربان است (سوره نساء، ۳)، آیه ۲۹)

آیه خطاب به افراد با ایمان کرده و می گوید اموال یکدیگر را از طریق نا به جا و باطل نخورید یعنی هر گونه تصرف در مال دیگری را بدون مجوز منطقی و عقلانی بوده باشد ممنوع شناخته شده و همه را تحت عنوان «باطل» که مفهوم وسیعی دارد قرار داده است. باطل در مقابل حق است و هر چیزی که نا حق و بی هدف و بی پایه باشد در بر می گیرد بنابراین هر گونه تجاوز، تقلب، غش، معاملات ربوی معاملاتی که حد و حدود آن کاملاً نا مشخص باشد. خرید و فروش اجناسی که فایده منطقی و عقلانی در آن نباشد خرید و فروش وسائل فساد و گناه، همه در تحت این قانون کلی قرار دارنده خمس و زکات دادن باعث اعتدال و اقتصاد در کشور می شود (همان، ج ۳، ص ۲۵۵).

ب) آثار اخروی

موارد زیادی برای آثار اخروی انس با قرآن می توان برشمرد که به برخی از آن ها اشاره می کنیم.

سعادت‌مندی و نجات

چنان چه خداوند عز و جل انسان ها را به تقوا از خدا فرمان داده و برگزیدن طاعت او و پیروی از هر آن چه خدا در قرآن خود از فرائض و سنتی که احدی سعادت‌مند نمی شود جز با پیروی از آن ها و بد بخت نمی شود مگر با انکار آن ها و ضایع کردن آن ها (حرانی، تحف العقول، ۱۴۰۲ق: ص ۱۲۱).

پیامبر گرامی اسلام فرمودند: قرآن را فراگیرید و آن را قرائت کنید و بدانید که قرآن نام شما را بلند می کند و وسیله ای برای یاد خداست. قرآن، هم ذخر (ذخیره) است و هم زر، اگر امام و پیشوای انسان بود، برای او ذخیره ی نیکویی است و اگر کسی خود را امام و پیشوای قرآن قرار داد، قرآن بار سنگین بر دوش او خواهد بود و او را از پشت به دوزخ خواهد افکند و نیز فرمود: اگر زندگی سعادت‌مندان، مرگ شهیدانه، نجات روز حشر، سایه روز سو زندگی و هدایت روز گمراهی می طلبید، به درس قرآن بپردازید که آن، سخن

خدای رحمن و سپری در برابر شیطان و مایه سنگینی کفه‌ی عمل در میزان عمل است (جوادی آملی، تسنیم تفسیر قرآن، ۱۳۷۸: ج ۱، ص ۲۴۳).

مفتخر شدن به درجه ای از نبوت

اساسی ترین امتیاز نبوت، بهره مندی از وحی الهی است و برترین وحی ها در قرآن کریم جمع شده است. بنابراین اگر کسی به قرآن روی آورد و از تعالیم و آموزه های آن بهره گیرد، به بهره ای از بهره های نبوت دست یافته است.

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) می فرمایند: « من قرأ القرآن فکانما ادرجت بین جنیبه إلا أنه لا یوحی الیه » هر کس که قرآن را تلاوت کند، گویا نبوت در جان او قرار داده شده است، گر چه بر او وحی ای نمی شود (حرعاملی، وسایل الشیعه، ۱۴۰۹ق: ج ۶، ص ۱۹۱).

محشور شدن با پیامبران

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: گرامی ترین بندگان خدا پس از پیامبران، عالمانند و سپس حاملان قرآن که عالمان و حاملان علم و عمل قرآن به گونه پیامبران از دنیا می روند و حشر آنان و عبورشان از صراط، همراه پیامبران خواهد بود و از ثواب انبیاء بهره مند می شوند: پس خوشا به حال جویندگان علم و حاملان قرآن که از کرامت و شرف الهی برخوردارند (جوادی آملی، تسنیم تفسیر قرآن، ۱۳۷۸: ص ۲۵).

صعود در بهشت

مردی از حضرت سجاد پرسش هایی کرد و حضرت به آن ها پاسخ داد. آن مرد به فکر طرح دیگری افتاد، امام سجاد علیه السلام فرمود: در انجیل آمده است: تا به آموزه های پیشین خود عمل نکرده اید: دانش جدید مطلبید. زیرا معلوم می شود علم را برای عمل نمی خواهید و علمی که برای عمل نباشد عامل دوری از خداوند است. آن گاه فرمود: خداوند درجات بهشت را به اندازه آیات قرآن قرار داد پس کسی که در دنیا قرآن بخواند خداوند به او می فرماید: بخوان و بالا برو و کسی که از آنان اهل بهشت شود هیچ کس در

درجه ی بهشت از او برتر نخواهد بود، مگر پیامبران و صدیقان (کلینی، اصول کافی، بی تا: ج ۶، ص ۴۰۶).

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده است: قرآن را بیاموزید زیرا که در روز قیامت قرآن در صورت جوان زیبا که رنگ صورتش گلگون گشته باشد نزد خواننده ی خود آید و به او گوید: منم که شب تو را به بیداری به پایان بردم. روزهای داغ تو را به تشنگی بسر آوردم، آب دهانت را خشک کردم و اشکت را روان ساختم (اکنون) هر کجا که بروی من هم با تو باشم و هر تاجری (امروز) به دنبال تجارت خویش است که (در دنیا انجام داده است) و من امروز به سود تجارت تو در پس تجارت هر تاجری باشم و بزودی کرامتی نیز از جانب خدای عز و جلّ به تو رسد پس شادان باش و در این جا تاجی بیاورند و بر سرش نهند و امان نامه (از آتش دوزخ) به دست راستش دهند و فرمان جاوید بودن در در بهشت را به دست چپش و دو جامه ی بهشتی به وی بپوشانند پس به او گفته شود: بخوان و بالا برو پس هر یک آیه که بخواند یک درجه بالا رود و به پدر و مادر او نیز دو جامه بپوشانند در صورتی که مؤمن باشند و به آن دو گویند: این پاداش آن قرآنی است که به فرزندانان آموختید (همان، ج ۴، ص ۴۰۵).

هم چنین امام صادق علیه السلام می فرمایند: وقتی که خداوند در روز قیامت اولین و آخرین را در صحرای محشر جمع می کند در میان آن ها شخص بسیار زیبایی دیده می شود که زیباتر از آن در میان اهل محشر نیست و آن قرآنی است که بدان شکل ظاهر می شود بعد هم حضرت فرمود که در آن هنگام خدای عز و جلّ می فرماید: سوگند به عزت و جلال و ارتفاع مکانم، من امروز کسانی را که تو را در دنیا گرامی داشته اند گرامی خواهم داشت و کسانی را خوار خواهم نمود که تو را در دنیا خوار می داشتند (حر عاملی، جواهر السنیه فی الاحادیث قدسیه ، ۱۳۸۰: ص ۶۶۷).

علاوه بر آن چه که از روایات بسیاری برآمده است خواندن هر سوره با هر کیفیتی که آمده است ثواب بی شماری را در پی دارد. به طور مثال امام صادق علیه السلام می

فرماید: ثواب هر که سوره ی جاثیه را بخواند این است که هرگز آتش جهنم را نخواهد دید و صدای فریاد آن را نخواهد شنید و همراه با محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود (ابن بابویه، الخصال، ۱۳۶۲: ص ۲۱۵).

نتیجه گیری

قرآن کریم دریای بی کرانی است که امواج گوناگون آن هر کدام در موضوع مهمی راهنمای بشر است و این کتاب مقدس مصدر معارف و علوم بشری گردیده و در هر دوره ای نظر دانشمندان را به خود جلب کرده است. قرآن کریم در دو امتداد زمان و مکان، پیوسته به پیش می رود و تا قیامت نیز لحظه ای از بیان، روشنگری و هدایت جامعه انسانی باز نمی ایستد. پس نتیجه می گیریم باید به انس با قرآن و تأمین حیات متألّهانه ی با آن روی آورد و در این راه از همه ی ظرفیت های علمی و عملی خویش بهره جست؛ زیرا اگر مؤمنان از این مهم غافل شوند، به سوی جبل متین قرآن حرکت نکرده و خسارتی را بر خود تحمیل کرده اند که مثال دنیای آن از میان رفتن همه امکانات هستی و از دست دادن همه سرمایه زندگانی است.

در این تحقیق اثرات دنیوی و اخروی انس با قرآن مورد بررسی قرار گرفت. اثرات دنیوی انس با قرآن از سه جهت علم و ایمان، سجایای روحی و برنامه عملی برای زندگی دسته بندی شده و در هر کدام مطالبی پیرامون اثرات دنیوی انس با قرآن ذکر شده است: مانند افزایش بصیرت، نجات از فتنه ها، دستیابی به الگوهای تربیتی و ... تأثیر قرآن فقط برای این دنیا نیست بلکه انس با آن اثرات اخروی مانند سعادت مندی و نجات، مفتخر شدن به درجه ای از نبوت، محشور شدن با پیامبران و صعود در بهشت در بر دارد که با توضیحات بیشتری در مقاله شرح داده شد.

فهرست منابع

۱. قرآن مجید
۲. نهج البلاغه

۳. ابن بابویه، محمد، «آمالی الصدوق»، ترجمه ی آیت الله کمره ای، انتشارات کتابخانه اسلامی، تهران، ۱۳۷۶.
۴. ابن بابویه، محمد، «الخصال»، ج ۱، نشر جامعه ی مدرسین، قم، ۱۳۶۲.
۵. بهرام پور، ابوالفضل، «تفسیر نسیم حیات»، ج ۱۱، چ ۲، نشر آوای قرآن با همکاری نشر سبحان، تهران، ۱۳۸۶.
۶. جوادی آملی، عبد الله، «تسبیم تفسیر قرآن»، ج ۱، چ ۱، مرکز نشر اسراء، قم، ۱۳۷۸.
۷. حر عاملی، محمد بن حسن، «وسایل الشیعه»، ج ۶، مؤسسه آل بیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۹ق.
۸. حر عاملی، محمد حسن، «جواهر السنیه فی الاحادیث قدسیه، کلیات حدیث قدسه»، ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی، چ ۳، انتشارات دهقان، تهران، ۱۳۸۰.
۹. حرانی، حسن بن علی ابن شعبه، «تحف العقول»، ترجمه علی اکبر غفاری، انتشارات کتابفروشی اسلامی، تهران، ۱۴۰۲ق.
۱۰. حکیمی، محمد رضا، «الحیاء»، ج ۲، ترجمه ی احمد آرام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، بی تا.
۱۱. حسینی همدانی، محمدحسین، «انوار درخشان»، ج ۱۶، چ ۱، نشر کتابفروشی لطفی، تهران، ۱۴۰۴ق.
۱۲. حویزی، عبد علی بن جمعه العروسی، «تفسیر نور الثقلین»، ج ۵، ناشر اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۳. دیلمی، حسین بن محمد، «ارشاد القلوب»، ترجمه هدایت الله مسترحمی، چ ۳، نشر مصطفوی، تهران، ۱۳۴۹.

۱۴. دهخدا، علی اکبر، «لغت نامه‌ی دهخدا»، چ ۲، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۷.
۱۵. دهقان، اکبر، «صد و پنجاه موضوع از قرآن کریم و احادیث اهل بیت (علیهم السلام)»، چ ۳، مرکز فرهنگی دره‌هایی از قرآن، ۱۳۸۶.
۱۶. ربانی، محسن، «هنر ایجاد انس با قرآن»، پایگاه اطلاع رسانی، حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای، بی تا.
۱۷. راغب، اصفهانی، «مفردات الالفاظ القرآن»، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، ج ۱، چ ۱، انتشارات کتابفروشی مرتضوی، تهران، ۱۳۶۲.
۱۸. طباطبائی، محمد حسین، «تفسیر المیزان»، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، چ ۵، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه ی قم، قم، ۱۳۷۴.
۱۹. طالقانی، محمود، «پرتوی از قرآن»، ج ۱، چ ۲، بی جا، بی تا.
۲۰. طبرسی، حسن بن فضل، «مکارم الاخلاق»، ج ۱، ترجمه ابراهیم میر باقری، ناشر فراهانی، تهران، ۱۳۷۰.
۲۱. قرائتی، محسن، «تفسیر نور»، چ ۱۱، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران، ۱۳۸۳.
۲۲. قرشی، علی اکبر، «قاموس قرآن»، دارالکتب الاسلامیه، تهران، بی تا.
۲۳. علم الهدی، علی بن حسین، «امالی المرتضی»، ج ۲، مصحح محمد ابوالفضل ابراهیم، دارالفکر عربی، قاهره، ۱۹۸۸م.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب، «اصول کافی»، ترجمه جواد مصطفوی، کتابفروشی علمیه اسلامی، تهران، بی تا.
۲۵. محمدی، «مراتب انس با قرآن»، پایگاه اینترنتی آیت الله مظاهری.
۲۶. محسنی گرگانی، احمد حسین، «آشنایی با فرهنگ قرآن»، چ ۱، انتشارات کتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۹.

۲۷. مكارم شیرازی، ناصر، «تفسیر نمونه»، ج ۱، دارالکتاب اسلامیة، تهران، ۱۳۷۴.
۲۸. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، «بحار الأنوار»، دارالأحياء التراث العمر، بیروت، ۱۴۰۳ق.
۲۹. مشکینی اردبیلی، علی، «نصایح»، مترجم: احمد جنتی اصفهانی، کتابفروشی جلالی اردبیلی، قم، بی تا.
۳۰. نجفی خمینی، محمد جواد، «تفسیر آسان»، ج ۱، انتشارات اسلامیة، تهران، بی تا.
۳۱. نوری، حسین بن محمد تقی، «مستدرک الوسایل و مستنبط المسائل»، ج ۲، ناشر مؤسسه آل بیت علیهم السلام، قم، ۱۴۰۸ق.